

نگارش ۳

رنگ. جلسه ۱۴

خانم فاطمه راهیل قوامی. ۲۲ تیر ۱۴۰۰

خب...

برای این تمرین هم مثل تمرین‌های دیگر خوب است که در یک وضعیت آرام و راحتی قرار بگیرید. و خوب است که چشم‌های‌تان را ببندید. یک فرصتی را به شما می‌دهیم که با آرامش کمی ریلکس کنید. یک کمی از این فضای که الان بودیم خارج شوید و شما خودتان تنها باشید.

در واقع الان قبل از این که ما وارد این دنیا شویم، قرار است که زیست این دنیایمان را انتخاب کنیم. قرار است که بین انسان، حیوان، جماد و نبات یکی را انتخاب کنیم و وارد این دنیا بشویم و زندگی کنیم. شما زیست نباتی را انتخاب می‌کنید. یعنی در واقع به شکل گیاه قرار است که در این دنیا زندگی بکنید. و انتخاب شما از بین این چهار تا زیست نباتی هست.

خب برای این که گیاه باشید. به شما اجازه می‌دهند که رنگ خودتان را انتخاب کنید. یعنی یک رنگی را شما انتخاب کنید که به شکل گیاهی که قرار است دربیاید با آن رنگ باشد. برای این که این انتخاب صورت بگیرد یک بارقه‌ای از نور به یک منشوری وارد می‌شود و آن هفت رنگ از منشور خارج می‌شود. و شما هفت تا رنگ در مقابل خودتان دارید که یکی‌اش را باید انتخاب بکنید. که زیست نباتی شما و آن گیاهی که هستید و انتخاب می‌کنید با آن رنگ هست. رنگ‌های رنگین‌کمان در مقابل شما هست. در واقع شما رنگ بنفش را در آن طیف می‌بینید. رنگ نیلی یا آبی-بنفش را می‌بینید. یک رنگی است که یک مقدار به آبی می‌زند و یک مقدار به بنفش؛ حالت بینابینی دارد. رنگ آبی را می‌بینید. رنگ سبز را می‌بینید. رنگ زرد را می‌بینید. رنگ نارنجی؛ و رنگ قرمز. یکی از این رنگ‌ها را شما انتخاب می‌کنید و حیات خودتان را شروع می‌کنید. ممکن است که مثلاً شما رنگ قرمز را انتخاب کرده باشید و آن زیستی را که برای خودتان در نظر دارید، مثلاً یک گوجه فرنگی باشد؛ یک گوجه فرنگی قرمز خوش‌رنگ. ممکن است که یک گل آفتاب‌گردان باشد. انتخابش با شماست که در قالب چه گیاهی و با چه رنگی زندگی کنید.

واقعیت این است که شما در بهترین حالت آن گیاه و آن رنگ قرار دارید. یعنی اگر شما رنگ زرد را انتخاب کرده‌اید آن گیاه با آن رنگ زرد در بهترین و درخشان‌ترین و ناب‌ترین حالت ممکنش قرار دارد. زیباترین حالتی که می‌تواند از رنگ زرد در یک گیاه جلوه‌گری کند و دیده شود. اگر رنگ نارنجی را انتخاب کرده‌اید در هر نوع گیاه یا بخشی از گیاه یا روی یک میوه، باز آن در جذاب‌ترین شکل خودش و اثرگذارترین حالتی که ممکن است باشد، دارد خودنمایی می‌کند و دیده می‌شود. ممکن است رنگ قرمز که ممکن است در یک گل حتی باشد یا... به هر حال زیست شما زیست نباتی است. مثلاً در یک سنگ یا چیز دیگری نیست. فقط در یک گیاه دارید زندگی می‌کنید. کسانی که ممکن است رنگ آبی را انتخاب کرده باشند باز گیاهی را تصور می‌کنند که آن رنگ را در بهترین حالت خودش دارد. یا کسی که رنگ سبزی را انتخاب می‌کند باز سبزی را دارد که سبزی‌ترین سبز ممکن است و جذاب‌ترین رنگ سبزی است که ممکن است آدم متصور بشود. همین‌طور رنگ بنفش. و همین‌طور رنگ نیلی. و رنگ آبی.

شما در بهترین حالت خودتان قرار دارید. این قدر این رنگ در شما و با شما نشسته است و جلوه‌گری می‌کند که مورد توجه همه رهگذران قرار می‌گیرید. این قدر که می‌ایند و از شما به خصوص عکس می‌اندازند. این قدر که نقاش‌ها می‌آیند از شما نقاشی می‌کنند. حتی دانشمندها می‌آیند آزمایش می‌کنند. فیزیک‌دان‌ها می‌آیند بررسی می‌کنند رنگ را در شما. در اوج لذت هستید. در اوج توجه‌اید. در بهترین حالت ممکن قرار دارید. حالا تصور

کنید همین بهترین حالت خودتان را و حتی این که دارند از شما نقاشی می‌کشند یا حالی که خودتان دارید از این جلوه‌گری.

در این حین و در این جریان‌ها، آن جایی که شما هستید یک تغییرات جوی رخ می‌دهد. و تغییرات جوی اثری که دارد، باعث می‌شود که در واقع گیاهان از بین می‌روند. یعنی یک جور شرایطی پیش می‌آید که دیگر نمی‌توانند آن رنگ را داشته باشند. دیگر در واقع کم‌کم پوسیده می‌شوند و از آن رنگی که دارید چیزی باقی نمی‌ماند جز رنگ سیاه. یعنی این فرآیند به سمتی می‌رود که آن رنگ شما تبدیل می‌شود به خاکستری و کم‌کم سیاه. یک جور فرآیند پوسیدگی رخ می‌دهد. در نتیجه رنگ تغییر ماهیت می‌دهد. دیگر آن رنگی نیست. یک رنگ دیگری می‌شود که خب معمولا خاکستری یا سیاه می‌شود در آن حالت. و این درست در زمانی است که از این اتفاق زمان می‌گذرد. یعنی همین‌طور لایه‌ها روی هم انباشته می‌شوند. از عمر زمین سالیان سال می‌گذرد. و شما به اعماق زمین کم‌کم گرفته و کشیده می‌شوید. لایه‌ها روی هم دیگر می‌آیند و شاید بشه گفت میلیاردها سال همین‌طور دارد می‌گذرد و این لایه‌های زمین فشار می‌آورند و شما به اعماق آن تاریکی و سیاهی فرو می‌روید. قرار می‌گیرید در آن حالت. در حالتی که هیچ رنگی دیگر وجود ندارد. فقط سیاهی است. رنگی که در آن هفت رنگ منشور هم نبود؛ شامل آن نمی‌شد. تنها رنگی که الان شما با آن مواجه هستید و در آن قرار دارید رنگ سیاه است.

شما در تاریکی مطلق قرار دارید. در زیر لایه‌های زمین و در فشار سالیان سال لایه‌های زمین. در این مدت چیزی که فکر شما را مشغول می‌کند و اندیشه شما در واقع به سمت آن است؛ مدام با خودتان فکر می‌کنید که مگر می‌شود که رنگ از دست برود؟ مگر رنگ‌ها از بین می‌روند! یک اندیشه خیلی در ذهن شما برجسته و پررنگ است؛ با خودتان فکر می‌کنید که من چه رنگی پیدا بکنم که ماندگار بشوم؟ چطوری به چیزی یا رنگی بدل بشوم که ابدی باشم؟ این اندیشه شماست. این چیزی است که الان در این وضعیت ذهن شما را درگیر کرده است. این مسئله شماست که چطوری می‌توانم رنگ ماندگاری بشوم؟! در آن سیاهی مطلق و آن تاریکی‌ای که شما الان در آن قرار دارید، چه اتفاقی برای شما می‌افتد؟

در موردش اندیشه کنید و هر وقت که آماده بودید، بنویسید!